ارنست همینگوی رمان نویسی مردم گرا

کازرونی، حیدر

حدود بیست و پنج سال پس از مرگ ارنست همینگوی و در پی یک دوره فراموشی تدریجی، باردیگر نام او برسر زبانها افتاده و ارزش نهفته آثارش مورد ارزیابی و ستایش مجدد قرار گرفته است.

در اواخر دهه شصت و نیز طی سالهای دهه هفتاد که در واقع، دوره مشخصی از توجه نویسندگان و هنرمندان به مسائل اجتماعی بود، درونمایه آثار همینگوی یعنی جنگ و مرگ و شکست و تسلیم با مسائلی همچون جنگ ویتنام و جنبش سیاهپوستان و آزادی زنان و نفرت از دیکتاتوری و خشونت، سازگاری چندانی نداشت.

یکی از استادان دانشگاه بوستون«جیمز ناگل»در این باره می‏گوید: «طی سالهای شصت و هفتاد، دانشجویان دانشگاههای آمریکا گرایش شدیدی به مسائل اجتماعی پیدا کرده بودند و ازاین‏رو، برای همینگوی به‏عنوان هنرمندی بظاهر فاقد وجدان اجتماعی اهمیت چندانی قائل نبودند.اما امروز با تحلیل بیشتر آثار همینگوی معلوم می‏شود که او در واقع هنرمندی نه پوچ‏گرا که به نوعی کاملا متعهد و اجتماعی نیز بوده است.»

هم از این روست که این روزها، ادیبان و منتقدان ادبی به همینگوی که زمانی از شهرت عالمگیر برخوردار بود و سپس اندک‏اندک داشت از یادها می‏رفت، التفات بیشتری‏ یافته‏اند.هم‏اکنون گروهی از فیلمبرداران کمپانی فوکس قرن بیستم در کشور فرانسه به سر می‏برند تافیلمی چهار ساعته از روی اثر معروف او«خورشید همچنان می‏دمد» تهیه کنند و شخصیتهای برجسته امازخمی و سرخورده کتاب را با تحلیلی تازه به نمایش درآورند.

در کنفرانسی که اخیرا با شرکت گروهی از ادیبان کشورهای مختلف دنیا در اسپانیا برگزار شد، زندگی و آثار همینگوی با دید تازه‏ای مورد تحلیل قرار گرفت و نکته‏های تازه‏ای درباره اسلوب رمان‏نویسی و نیز شخصیتهای آثارش مطرح شد.یکی از مسائل مربوط به زندگی همینگوی، اسطوره خود ویژه بینی یا خود بر تربینی اوست که تقریبا در بیشتر آثارش به چشم می‏خورد.او همواره خود را قهرمانی برتر و بااحساسی قوی‏تر از دیگران می‏پندارد که به آینده دنیا بی‏اعتناست و فقط دم را درمی‏یابد.مردی باتمامی خصلتهای مردانگی، آدمی شجاع و ماجراجو و شکارچی و رزمنده ومیخواره و بااستقامت و عاشق آنچنان‏که نویسنده بودنش را تحت الشعاع قرار می‏دهد، هرچند استقامت و مردانگی‏اش بیشتر در زمینه تحمل ناملایمات بروز می‏کند.درباره این خصلت همینگوی گفته‏اند که این اسطوره از یک‏سو موجب شهرت و محبوبیت او شده و از سوی دیگر او را به صورت نوعی زندانی درآورده است.این اسطوره در واقع قفس خود ساخته‏ای است که همینگوی نتوانسته هرگز از درون آن آزادانه به خارج پرواز کند.

پیوند همینگوی باکشور اسپانیا نیز از جمله نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.وقایع دو رمان از سه رمان مهم او و نیز تعداد بیشماری از داستانهای کوتاهش و همچنین ماجرای کتاب«مرگ در بعد از ظهر»گزارشی دقیق از حوادث مربوط به گاوبازی همگی در اسپانیا اتفاق می‏افتد.

از ویژگیهای برجسته آثار همینگوی، طبیعی بودن وقایع و واقعی جلوه نمودن حوادث خیالی است.همینگوی خود در جائی گفته است که نوشتن یعنی دروغ گفتن.اما هرچه او آفریده شبیه‏ترین شکل ممکن به‏واقعیت بوده و به‏خاطر قلم توانایش، وقایع پاره‏ای از رمانهایش حتی واقعی‏تر از واقعیات جلوه می‏کند.